

تهدید روسیه و تأثیر آن بر سیاست‌های امنیتی گرجستان

بهاره سازمند

دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران

عارف بیژن*

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای آسیای مرکزی و قفقاز، دانشگاه علامه

طباطبایی

مرتضی تقی‌پور

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای آسیای مرکزی و قفقاز، دانشگاه علامه

طباطبایی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۲۱ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۰۸/۰۸)

چکیده

گرجستان از زمان اعلام استقلال از اتحاد شوروی با مشکلات و چالش‌هایی روبه‌رو شد که برخی مانند فقر و نابسامانی اقتصادی به ارث رسیده از دوران اتحاد شوروی بودند. برخی نیز مانند بی‌ثباتی سیاسی، تجزیه و جدایی طلبی و ناامنی که در دوران اتحاد شوروی پوشیده بود، در دوران پس از استقلال این کشور سر باز کرد و در خارج از مرزهای گرجستان در قفقاز جنوبی، جنگ بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان بر سر قره‌باغ کوهستانی نیز این منطقه را ناامن و بی‌ثبات کرده بود. از مهم‌ترین موضوع‌های امنیتی در گرجستان چگونگی رابطه با روسیه و تهدیدهایی است که از سوی این کشور متوجه گرجستان است. در واقع گرجستان از ابتدای استقلال خود با تهدید روسیه روبه‌رو بوده و این تهدید بر شکل به‌کارگرفتن سیاست‌های امنیتی این کشور اثر گذاشته است. از بخش‌هایی که تهدید روسیه بر سیاست‌های امنیتی گرجستان اثر گذاشته، عضویت و یا انصراف این کشور در نهادها و سازمان‌های منطقه‌ای بوده است. در این نوشتار این پرسش مطرح می‌شود که تهدید روسیه بر سیاست‌های امنیتی منطقه‌ای گرجستان چه تأثیرهایی داشته است؟ برای پاسخ به این پرسش این فرضیه بیان می‌شود که تهدید روسیه موجب شده است تا سیاست‌های امنیتی گرجستان به سمت خروج از سازمان کشورهای مستقل هم‌سود و پیوستن به گوام و تلاش در جهت تقویت روابط با غرب (ناتو و آمریکا) متمایل شود. هدف این نوشتار بررسی دلایل عضویت و یا انصراف گرجستان از این نهادها در دوران بعد از استقلال تا پایان ریاست جمهوری میخائیل ساکاشویلی است.

کلیدواژه‌ها

سازمان کشورهای مستقل هم‌سود، سازمان گوام، سازمان ناتو، گرجستان، موازنه.

مقدمه

گرجستان از زمان اعلام استقلال از اتحاد شوروی، با مشکلات و چالش‌هایی روبه‌رو شد که برخی مانند فقر و نابسامانی اقتصادی به ارث رسیده از دوران اتحاد شوروی بودند و برخی نیز مانند بی‌ثباتی سیاسی، تجزیه و جدایی‌طلبی و ناامنی که در دوران اتحاد شوروی پوشیده بود در دوران پس از استقلال این کشور سر باز کرد. در خارج از مرزهای گرجستان در قفقاز جنوبی، جنگ بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان بر سر قره‌باغ کوهستانی نیز این منطقه را ناامن و بی‌ثبات کرده بود. در میان تهدیدهای داخلی و خارجی که گرجستان از سال ۱۹۹۱ با آن‌ها روبه‌رو بوده است از روسیه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عامل‌های تهدیدکننده امنیت گرجستان می‌توان نام برد. به‌شکلی که از روسیه در آیین جدید امنیتی گرجستان که در سال ۲۰۱۲ به تصویب رسید (سه سال پس از جنگ اوت ۲۰۰۸) به‌عنوان اصلی‌ترین تهدید برای این کشور نام برده شده است. همچنین در سند راهبرد نظامی ملی که در سال ۲۰۱۴ وزارت دفاع گرجستان منتشر کرد از روسیه به‌عنوان دشمنی نام برده شده که بخشی از خاک این کشور را اشغال کرده و موجب افزایش اقدام‌های تروریستی در خاک این کشور شده است. همچنین به تهدیدهای سایبری روسیه علیه گرجستان نیز اشاره شده است (Ministry of Defence of Georgia, 2014: 4-15).

جدی‌بودن تهدید روسیه برای گرجستان، این پرسش را به‌وجود می‌آورد که این تهدید تا چه اندازه، ریشه در ذهنیت و تاریخ گذشته گرجی‌ها نسبت به روس‌ها دارد؟ و تا چه اندازه این تهدید برگرفته از واقعیت‌های عینی است؟ به‌بیان دیگر، چه شاخص‌هایی موجب می‌شوند روسیه تهدیدی برای گرجستان باشد؟ درنهایت پرسش اصلی اینکه، تهدید روسیه چه تأثیری بر سیاست‌های امنیتی گرجستان در سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۳ داشته است و گرجستان چه سیاست و یا سیاست‌هایی را برای پاسخ به تهدیدهای روسیه به‌کار گرفته است؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها تلاش شده است از روش توصیفی تحلیلی و رویکرد واقع‌گرایی تدافعی^۱، نظریه موازنه تهدید^۲ استفان والت^۳ استفاده شود.

چارچوب نظری

نظریه تهدید ارتباط نزدیکی با استفان والت به‌ویژه کتاب او ریشه‌های اتحادها (۱۹۸۷) دارد. براساس نظریه موازنه تهدید، دولت‌ها نه در برابر قدرت بلکه در برابر کشورهایایی موازنه ایجاد می‌کنند که برایشان به‌شکل خاصی خطرناک جلوه می‌کنند. این نظریه می‌کوشد تا نظریه توازن

1. Defensive Realism
2. Balance of Threat
3. Stephen M. Walt

قدرت را با لحاظ کردن عامل‌های دیگری تعمیم دهد (Griffiths, 2011: 323). تمایز میان قدرت و تهدید و تأکید بر مفهومی به نام تهدید مهم‌ترین بخش نظریه‌ی والت محسوب می‌شود. برای او زمانی افزایش قدرت مهم است که همراه با عامل‌هایی باشد که موجب افزایش تهدید می‌شوند. از نظر والت میزانی که دولتی دیگران را تهدید می‌کند، تابعی از چهار عامل است: ۱. قدرت کلی؛ ۲. مجاورت جغرافیایی؛ ۳. قدرت تهاجمی؛ ۴. نیت‌های تهاجمی. والت این چهار عامل را منبعی می‌داند که در تهدیدی که یک دولت می‌تواند ایجاد کند مؤثر است.

الف) قدرت کلی^۱

قدرت کلی همان مجموع منابع کشور است، کشوری که منابع بیشتری داشته باشد می‌تواند تهدید جدی‌تر از کشوری که منابع کمتری دارد، مطرح سازد (Griffiths, 2011: 323). در قدرت کلی فرض بر این است که هرچه منابع دولتی (برای نمونه، توانایی‌های نظامی، جمعیت، همبستگی اجتماعی، توسعه‌ی صنعتی و همچنین قابلیت‌های تکنولوژیکی) بیشتر باشد تهدید بالقوه‌ای که می‌تواند برای دیگران ایجاد کند بیشتر می‌شود (در صورت برابری سایر عامل‌ها) (Abd Alaziz, 2003: 17). در بحث قدرت یک دولت لازم است میان قدرت بالقوه و قدرت بالفعل تفاوت قائل شویم. قدرت بالقوه یک دولت به میزان جمعیت و ثروت آن بستگی دارد. این دو عامل سنگ بنای سازنده‌ی قدرت نظامی هستند (Merschimmer, 2009: 50).

در میان کشورهای تهدیدکننده‌ی امنیت گرجستان، روسیه با داشتن قدرت بالقوه و بالفعل برای تهدید این کشور توانایی زیادی دارد. فدراسیون روسیه با مساحت ۱۷ میلیون کیلومتر مربع، بزرگ‌ترین کشور دنیا و با جمعیتی در حدود ۱۴۳/۹ در سال ۲۰۱۸ نهمین کشور جهان است. از لحاظ منابع انرژی نیز در سال ۲۰۱۷ با افزایش تولید نفت خود برای نهمین سال متوالی از عربستان سعودی به‌عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده‌ی نفت در جهان پیشی گرفته است و بزرگ‌ترین صادرکننده‌ی گاز طبیعی در جهان باقی مانده است (BP Statistical Review, 2016). مجموع این عامل‌ها به روسیه این امکان را می‌دهد تا با تبدیل قدرت بالقوه خود به قدرت بالفعل توانایی تنبیه (مانند تحریم صادرات گرجستان به روسیه بعد از انقلاب رنگی) یا تشویق (مانند اعطای وام و یا بخشش بدهی‌های برخی از کشورهای آسیای مرکزی) را داشته باشد.

ب) مجاورت جغرافیایی^۲

در مکتب‌های فکری استفان والت و رابرت جرویس برای جغرافیا به‌عنوان عاملی پیچیده در روابط بین‌الملل سهم مهمی قائل می‌شوند. نظریه‌های این دو اندیشمند در چارچوب

1. Aggregate Power
2. Geographic Proximity

واقع‌گرایی تدافعی طبقه‌بندی می‌شوند. آن‌ها بیان می‌کنند که دولت‌ها زمانی به افزایش قدرت یا موازنه دست می‌زنند که احساس ناامنی کنند. در نظریه موازنه تهدید والت، مسافت (فاصله) در درک از تهدید تأثیرگذار است (Grygiel, 2006: 16). دو دولتی که به یکدیگر نزدیک هستند احتمال اینکه همدیگر را تهدید تلقی کنند بیشتر است. از آنجایی که توانایی به‌کارگیری قدرت در مسافت دور کاهش می‌یابد، دولت‌هایی که نزدیک‌اند تهدید بیشتری نسبت به آن‌هایی که دورند ایجاد می‌کنند (Walt, 1987: 23). مجاورت جغرافیایی از مهم‌ترین عامل‌ها در بررسی روابط بین گرجستان و روسیه است. هم‌مرز بودن این دو کشور به‌ویژه در مناطق مورد مناقشه، همواره موجب برخوردهایی بین این دو کشور شده است. حتی بر سیاست‌هایی که نخبگان گرجی به‌کار می‌گیرند نیز تأثیر گذاشته است. برای نمونه یکی از عامل‌هایی که روسیه برای زیر فشار قراردادن حکومت شواردنازه برای عضویت در سی‌ای اس^۱ به‌کار برد حمایت از مناطق جدایی‌طلب آبخازیا و اوستیا بوده است که با روسیه مرز مشترک دارند.

ج) قدرت تهاجمی^۲

به نظر والت در صورت ثابت ماندن دیگر متغیرها، دستیابی دولت‌ها به توانایی نظامی ویژه یا توانایی سیاسی خاص، مانند ایدئولوژی دامن‌گستر، آن‌ها را تهدیدزاتر و ثبات سیاسی و انسجام سرزمینی دولت‌های دیگر را با مخاطره روبه‌رو می‌کند (Little and Smith, 2010: 34-35). به‌طور مشخص، قدرت تهاجمی توانایی تهدید حاکمیت یا تمامیت ارضی دولت‌های دیگر با هزینه‌ای قابل قبول است (Walt, 1987: 24). قدرت تهاجمی با قدرت کلی (به‌سبب توانایی تبدیل آن به قدرت تهاجمی) و مجاورت جغرافیایی ارتباط نزدیکی دارد. برای نمونه، فدراسیون روسیه به‌علت برخورداری از قدرت کلی و توانایی تبدیل آن به قدرت تهاجمی و همچنین به‌علت نزدیکی جغرافیایی با گرجستان بیش از سایر کشورهای منطقه توانایی تهدید این کشور را دارد.

د) نیت‌های تهاجمی^۳

کشورهایی که تجاوزپیشه تصور شوند احتمال بیشتری دارد که موجب ایجاد توازن شوند تا دولت‌های دیگر. نیت‌های تجاوزکارانه تمایل کشوری خاص به واداشتن کشوری دیگر به واکنش را مشخص می‌سازد، وضعیتی که نمونه‌اش آلمان نازی بود (Griffiths, 2011: 323). نمونه دیگر در زمینه نیت‌های تهاجمی را می‌توان در روابط آمریکا و اتحاد شوروی مشاهده

1. CIS
2. Offensive Power
3. Aggressive Intentions

کرد. ایالات متحده آمریکا قدرتمندتر از اتحاد شوروی و غرب قوی‌تر از پیمان ورشو بود. در نتیجه برای نظریه موازنه قدرت توضیح اینکه چرا آمریکا در مقابل اتحاد شوروی موازنه ایجاد کرد، دشوار بود. نظریه موازنه تهدید در پاسخ به این مسئله بیان می‌کند که موازنه آمریکا به دلیل نیت‌های تهاجمی و قدرت تهاجمی بوده است که اتحاد شوروی داشت (Davis, 2011: 51). در صورت ثابت بودن عامل‌های دیگر، درک از نیت به احتمال زیاد نقشی حیاتی در انتخاب اتحاد بازی می‌کند (Abd Alaziz, 2003: 17). در نیت تجاوزکارانه باید توجه داشت که حکومت‌ها می‌توانند درباره اینکه هدف‌های دولت‌ها صلح‌آمیز یا تهاجمی است پیش‌بینی کنند؛ اما حدس اشتباه هزینه سنگینی برای آن‌ها خواهد داشت. دمیتری مدودیف در سال ۲۰۱۰ سومین آیین نظامی روسیه را تصویب کرد. در این آیین بر استفاده از توان هسته‌ای روسیه برای دفاع از کشور در مقابل متجاوزان به روسیه یا یکی از متحدان این کشور تأکید شده است و همچنین در مقابل کسانی که تمامیت ارضی روسیه را تهدید می‌کنند. در مقابل گرجستان نیز با تصویب آیین امنیت ملی خود در سال ۲۰۱۲، روسیه را مهم‌ترین تهدید خود دانسته است.

از نظر والت رفتار بازیگران با توجه به دو عامل میزان شکاف قدرت و تمایل نسبت به موازنه متفاوت می‌شود. این دو عامل به سه نوع راهبرد موازنه، تنش‌زدایی و همراهی منجر می‌شود. اگر بخواهیم سیاست‌های امنیتی گرجستان را بر اساس این سه نوع راهبرد بررسی کنیم به این نتیجه می‌رسیم که گرجستان در طول دو دهه تاریخ خود همواره سعی کرده است تا از سیاست موازنه‌سازی بیشتر از سیاست همراهی در مقابل روسیه استفاده کند و تا زمانی که شکاف قدرت بین روسیه و گرجستان زیاد باشد دو طرف تمایلی به تنش‌زدایی از خود نشان نمی‌دهند. همان‌طور که پیشتر اشاره شد، تهدید عبارت است از ترکیبی از قدرت تهاجمی دولت، توان نظامی، نزدیکی جغرافیایی و نیت‌های تجاوزکارانه احتمالی. پس صرفاً داشتن قدرت مهم نیست و عامل‌های دیگر نیز مهم‌اند. منظور این است آنچه در روابط میان دولت‌ها اهمیت دارد فقط قدرت نظامی هر یک نبوده و برداشت آن‌ها از یکدیگر به‌عنوان تهدید نیز اهمیت فراوان دارد. دولت‌ها در برابر آن دسته از دولت‌هایی دست به موازنه می‌زنند که نسبت به موجودیت یا منافع آن‌ها تهدیدی فوری باشند. در رابطه با کشور گرجستان چون در سطح ملی قابلیت دفاعی و خودیاری ندارد، احساس تهدید ناشی از ترکیبی از قدرت تهاجمی، توان نظامی، نزدیکی جغرافیایی و نیت‌های تجاوزکارانه دولت‌های دیگر (به‌ویژه روسیه) آن را به برقراری حالت موازنه از راه گرایش به سوی غرب و ناتو و یا عضویت در سازمان‌های بین‌المللی مجبور می‌کند.

رویکرد گرجستان به جامعه کشورهای مستقل هم‌سود

درباره رویکرد گرجستان به جامعه کشورهای مستقل هم‌سود می‌توان گفت شواهد نشان می‌دهد که گام‌ساختن گرجستان در دوران ریاست جمهوری خود از پیوستن به جامعه کشورهای مستقل هم‌سود خودداری کرد. در واقع گرجستان به کشورهای حوزه بالتیک پیوست که تنها جمهوری‌های اتحاد شوروی بودند که از عضویت در این جامعه سر باز زدند (Goltz, 2009: 6). او این جامعه را سازمانی می‌دانست که یلتسین رقیب گورباچف، برای تسلط روسیه بر کشورهای اتحاد شوروی تأسیس کرده است. گام‌ساختن فردی دارای گرایش‌های ضدروسی و ضد شوروی بود. همین نگاه او به روس‌ها موجب وخیم‌تر شدن رابطه گرجستان با روسیه شد (Tudoroiu, 2007: 319). اگر چه حکومت گام‌ساختن بیش از ۷ ماه طول نکشید؛ اما بیشتر جامعه از سیاست‌های ضدروسی او حمایت می‌کردند. همین موضوع موجب شد تا شواردنازه نیز در ابتدای حکومت خود با وجود تمایل به بهبود روابط با روسیه تا حدودی سیاست‌های گام‌ساختن را ادامه دهد. اما سقوط سوخومی^۱ به دست استقلال‌خواهان موجب تغییر در سیاست‌های شواردنازه نسبت به روسیه و جامعه کشورهای مستقل هم‌سود شد.

شواردنازه پس از سقوط سوخومی آشکارا سیاست امنیتی گرجستان را تغییر داد و به جای سیاست موازنه در برابر روسیه زمان گام‌ساختن، سیاست همراهی با تهدید روسیه را به کار گرفت تا بتواند مناطق جداشده را به گرجستان بازگرداند و فشارهای روسیه بر گرجستان را کاهش دهد. گرجستان طیف گسترده‌ای از پیمان‌نامه‌ها را با روسیه و کشورهای جامعه کشورهای مستقل هم‌سود امضا کرد: پیمان دوستی و روابط همسایگی خوب با روسیه (۱۹۹۴)، پیمان مأموران مرزی روسیه در گرجستان (۱۹۹۴) و پیمان پایگاه‌های نظامی در گرجستان (۱۹۹۵) و مهم‌ترین آن‌ها پیمان امنیت دسته جمعی با جامعه کشورهای مستقل هم‌سود است (Fawn, 2004: 103).

شواردنازه در کنار سیاست همراهی با روسیه به توسعه روابط با کشورهای غربی نیز پرداخت و سعی داشت تا با استفاده از امکانات و توانایی‌های کشورهای غربی، وضعیت گرجستان را به‌ویژه در مسائل اقتصادی و نظامی بهبود بخشد (Stokes and Rutland, 1997: 340). گسترش روابط با غرب به گونه‌ای نبوده است که موجب تحریک روس‌ها شود. تا آنجا که شواردنازه از روسیه به عنوان «شریک راهبردی» گرجستان نام برده بود. سیاست شواردنازه پس از رویداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نسبت به جامعه کشورهای مستقل هم‌سود تغییر پیدا کرد. او در یک سخنرانی در دانشگاه هاروارد گفت که جهت‌گیری سیاست خارجی گرجستان بر روی

رابطه با ناتو و غرب متمرکز شده و احتمال اینکه گرجستان از جامعه کشورهای مستقل هم‌سود خارج شود را غیرممکن ندانست (Nygren, 2007: 28).

با برکناری شواردنادزه و به قدرت رسیدن میخائیل ساکاشویلی فشارها برای خروج از جامعه کشورهای مستقل هم‌سود در گرجستان افزایش یافت. به‌گونه‌ای که در نوامبر ۲۰۰۵ پارلمان گرجستان به خروج از این سازمان رأی داد. ساکاشویلی با وجود درخواست پارلمان گرجستان و بحران‌هایی که در سال ۲۰۰۶ با روسیه پیدا کرد از ترک جامعه کشورهای مستقل هم‌سود خودداری کرد. او سعی کرد تا با خارج‌نشدن از جامعه کشورهای مستقل هم‌سود موجب واکنش روس‌ها نسبت به دولت غرب‌گرای خود نشود و در پی فرصتی برآمد تا بتواند از این سازمان خارج شود. این فرصت در جنگ پنج روزه اوت ۲۰۰۸ برای گرجستان فراهم شد. با خروج گرجستان از جامعه کشورهای مستقل هم‌سود سیاست همراهی با تهدید روسیه که در زمان شواردنادزه به‌کار گرفته شده بود به پایان رسید و گرجستان تلاش کرد تا با استفاده از سازمان‌های جایگزین مانند گوام و ناتو و ارتقای روابط با اتحادیه اروپا و آمریکا در مقابل تهدید روسیه توازن ایجاد کند.

اتحادیه گوام^۱ و رویکرد امنیتی گرجستان به این اتحادیه

واژه گوام از حروف اول چهار کشور گرجستان، اوکراین، جمهوری آذربایجان و مولداوی تشکیل شده است. این کشورها در اکتبر ۱۹۹۷ در حاشیه سران امنیت و همکاری اروپا در استراسبورگ و با تشویق و حمایت کشورهای غربی برای ایجاد این اتحادیه اقدام کردند (Koolae, 2010: 230). در سال ۱۹۹۹ جمهوری ازبکستان نیز به عضویت این سازمان درآمد و با این اقدام، گوام حوزه جغرافیایی خود را به شرق دریای خزر یعنی آسیای مرکزی هم گسترش داد و نام اختصاری آن نیز تغییری کوچک به خود دید. اما عضویت این کشور چندان پایدار نبود و ازبکستان به‌ظاهر به‌علت آشکارشدن هرچه بیشتر ماهیت این سازمان از یک‌سو و دخالت مستقیم آمریکا به‌عنوان حامی گوام در بروز انقلاب‌های رنگی از سوی دیگر که تاشکند را در سال ۲۰۰۵ تا آستانه انقلاب رنگی پیش برد، از آن خارج شد. به‌شکل رسمی در همین سال جدایی خود را از گوام اعلام کرد (Goli and Others, 2010: 125). خروج ازبکستان را می‌توان به توانایی نداشتن این کشور در موازنه با روسیه و سازمان‌هایی مانند جامعه کشورهای مستقل هم‌سود که روسیه در آن سلطه داشت و ترس از واکنش روس‌ها نیز دانست. رویداد ۱۱ سپتامبر موجب شد تا ازبکستان به همکاری‌های امنیتی در گوام تمایلی نداشته باشد و به جای آن به سازمان شانگهای بپیوندد. ترکیه و لتونی نیز از اعضای ناظر سازمان محسوب می‌شوند. در سال ۲۰۰۶، دلیل تغییر نام سازمان به «سازمانی برای دموکراسی

و توسعه اقتصادی^۱ (و دلایل‌های دیگر) کمک به احیا و گسترش سازمان از راه جذب اعضای جدید بوده است. در اوایل سال ۲۰۰۹، هیچ نشانه‌ای از پیوستن اعضای جدید و یا آینده‌ای پیش‌بینی‌پذیر برای این سازمان وجود ندارد (Peimani, 2009: 329).

شواردنازه که به‌خوبی از قدرت و نفوذ روسیه در منطقه قفقاز، به‌ویژه مناطق جدایی‌طلب گرجستان آگاه بود، در ابتدا هدف از تأسیس گوام را توسعه روابط دوجانبه و همکاری‌های منطقه‌ای بین کشورهای عضو اعلام کرد. در این زمینه نیز چندین موافقت‌نامه اقتصادی بین کشورهای عضو امضا شد. هدف شواردنازه از پیوستن به گوام را می‌توان عضویت در سازمانی دانست که زیر نفوذ روسیه نیست؛ از این رو می‌توان از آن به‌عنوان جایگزینی در برابر سازمانی مانند جامعه کشورهای مستقل هم‌سود دانست که از عملکرد آن راضی نبود. به‌ویژه اینکه سازمان گوام مورد حمایت اروپا و آمریکا نیز بود و در نشست‌های دوره‌ای این سازمان نمایندگان آمریکا نیز حضور داشته‌اند. البته تأسیس گوام در سیاست شواردنازه در رابطه با روسیه تغییر چندانی ایجاد نکرد؛ زیرا شواردنازه هنوز نیز بر این باور بود که حفظ دولت او و استقلال و ثبات در گرجستان در نحوه ارتباط با روسیه است.

انقلاب گل سرخ و رویکرد اورواتلانتیکی در سیاست امنیتی گرجستان

رویکرد اورواتلانتیکی در سیاست خارجی گرجستان را می‌توان در سیاست‌های گام‌ساخته‌شده و پس از او در سیاست‌های شواردنازه جست‌وجو کرد؛ اما این رویکرد به‌طور جدی نخستین بار از سوی میخائیل ساکاشویلی و پس از پیروزی در انقلاب گل رز اجرا شد (Vaezi, 2010: 158). دستیابی میخائیل ساکاشویلی به سمت ریاست جمهوری، زمینه نفوذ بیشتر آمریکا در گرجستان را فراهم کرد و در مقابل، روسیه را به تکاپو واداشت تا محدوده حیاط خلوت خود را حفظ کند. در این میان، آمریکا که از سال‌های قبل راهبرد جلوگیری از عبور لوله‌های انتقال انرژی دریای خزر از راه ایران و روسیه را برگزیده بود؛ با وجود هزینه زیاد و امنیت کمتر، عبور لوله‌ها از گرجستان یعنی خط لوله باکو-تفلیس-جیحان را اجرایی کرد. همچنین آمریکا بعد از فروپاشی اتحاد شوروی، راهبرد گسترش ناتو به شرق (اروپای شرقی، قفقاز، آسیای مرکزی و آسیای جنوبی) را برگزید که گرجستان یکی از کشورهای مهم این مسیر است. این راهبرد ابتدا با هدف گسترش ناتو به شرق برای جلوگیری از تشکیل احتمالی قطب جدید قدرت، محدودکردن قدرت ایران، تأمین امنیت اسرائیل، کنترل بیشتر بر نفت و گاز خلیج فارس و دریای خزر، صورت می‌گرفت؛ اما با گذشت زمان و آشکارشدن محدودیت‌های غرب در این زمینه، به‌نظر می‌رسد آمریکا و اروپا امروزه با ترس از آینده و بیشتر برای جلوگیری از

محدودیت ناشی از تحولات کنترل‌ناپذیر آینده، چنین راهبردی را پیگیری می‌کند (Malakutiyan and Hosseini, 2012: 163).

ناتو و سیاست‌های امنیتی گرجستان

در سال ۱۹۹۷ زمانی که روسیه اعلام کرد ناتو دشمن روسیه نیست و در تضاد با منافع روسیه قرار ندارد، شواردنازه اعلام کرد که گرجستان می‌خواهد به ناتو وارد شود. برخی از پژوهشگران غربی و روسی از این موضوع برای اثبات تغییر جهت سیاست گرجستان از طرفداری روسیه به طرفداری از غرب استفاده می‌کنند. در واقع، شواردنازه می‌خواست روسیه را در فشار قرار دهد تا امتیازهایی را به‌ویژه در مسئله آبخازیا و اوستیای جنوبی به‌دست آورد (Gabashvili, 2013: 56). البته قبل از سال ۱۹۹۷ نیز گرجستان در تلاش برای عضویت در ناتو بود. در ۲۳ مارس ۱۹۹۴ گرجستان به برنامه مشارکت برای صلح ناتو پیوست.

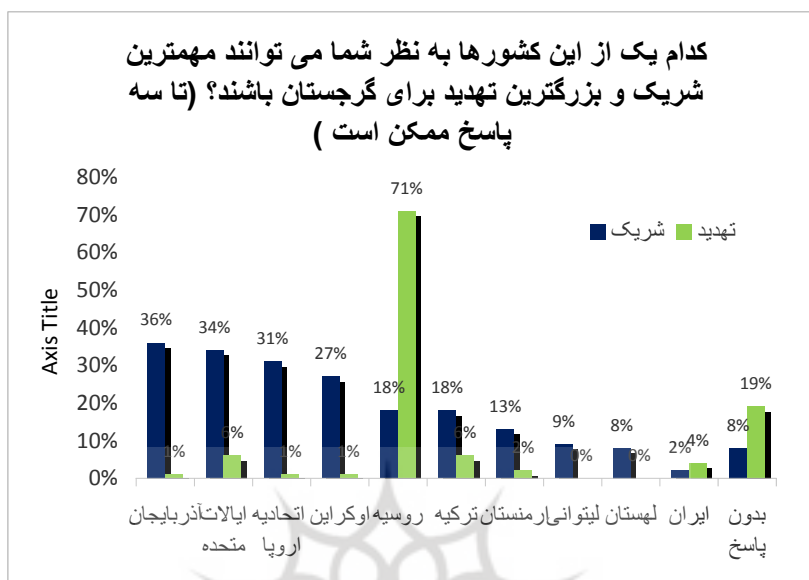
ایده ورود گرجستان به ناتو طرحی غیرواقعی بود و برای جلب افکار عمومی ناراضی گرجستان با سیاست‌های شواردنازه طراحی شده بود. گرجی‌ها از روسیه برای نقش‌داشتن در آبخازیا و مقاومتش در انجام هر کاری، خشمگین بودند؛ بنابراین شواردنازه هیچ چاره‌ای نداشت جز اینکه خود را از روسیه دور کند. در سال ۱۹۹۹، شواردنازه تصمیم گرفت که گرجستان از سیستم امنیت دسته جمعی جامعه کشورهای مستقل خارج شود؛ زیرا از نظر او روسیه هیچ کاری برای کمک به حل مسئله تجزیه‌طلبی آبخازیا و اوستیای جنوبی انجام نداد یا دست‌کم اجازه نداد بخشی از پناهندگان گرجستان بازگردند (Gabashvili, 2013: 89).

با وجود تمایل شواردنازه به عضویت گرجستان در ناتو، به نظر می‌رسد بیشتر به دنبال گرفتن امتیازهایی از مسکو و ساکت کردن مخالفان داخلی بوده است که او را به وابستگی به روسیه متهم می‌کردند. او هم‌زمان با گسترش روابط با ناتو روابط خود با آمریکا را نیز گسترش داد و برای آنکه رقابت روسیه و آمریکا در گرجستان به سقوط او از قدرت منتهی نشود، سعی کرد از آلمانی‌ها به‌عنوان موازنه در برابر این دو قدرت استفاده کند. نزدیکی به آمریکا و ناتو موجب شد تا شواردنازه بیش از پیش با روس‌ها دچار مشکل شود. سرانجام روس‌ها نیز او را شریک مطمئنی برای خود نیافتند.

آمریکا پیش از رویدادهای تروریستی ۱۱ سپتامبر، با وجود سرکوب آزادی‌های مدنی، فساد و نادیده گرفتن حقوق اقلیت‌ها در گرجستان تمایل چندانی به تغییر حکومت شواردنازه از خود نشان نداد. به‌ویژه اینکه شواردنازه نیز توانسته بود با آمریکایی‌ها روابط خوبی برقرار کند (Gabashvili, 2013: 112). اما بعد از ۱۱ سپتامبر و حضور آمریکایی‌ها در منطقه برای

مبارزه با تروریسم، موجب شد انتقادهای نسبت به وضعیت حقوق بشر و مردم‌سالاری در جمهوری‌های اتحاد شوروی، به‌ویژه گرجستان افزایش یابد و دولت محافظه‌کار جورج بوش نیز به حمایت خود از شواردناده‌ها پایان داد. از سوی دیگر، روس‌ها نیز که چندان از سیاست‌های شواردناده‌ها در خصوص پناه‌دادن به شورشیان چچنی در دره پانکیسی راضی نبودند و این کار او را سیاستی برای زیر فشار قراردادن روسیه می‌دانستند از حمایت او دست‌کشیدند. به این ترتیب با چراغ سبز آمریکا و سکوت روس‌ها، شرایط برای سقوط شواردناده‌ها فراهم شد. با حذف شواردناده‌ها از سیاست گرجستان و به قدرت رسیدن میخائیل ساکاشویلی تلاش گرجستان برای عضویت در ناتو و گسترش روابط با آمریکا وارد مرحله تازه‌ای شد. گسترش روابط با آمریکا در زمان ساکاشویلی را نمی‌توان تنها به سبب رویکرد غرب‌گرای دولت وی دانست. بلکه یکی از مهم‌ترین دلایل برای گسترش روابط با آمریکا را می‌توان تلاش وی برای به‌دست‌آوردن حمایت آمریکا از عضویت گرجستان در ناتو دانست. کشورهای اروپایی مانند آلمان، فرانسه و ایتالیا به‌علت داشتن روابط اقتصادی به‌ویژه در زمینه انرژی با روسیه چندان مایل نیستند که برای عضویت گرجستان در ناتو در مقابل روسیه قرار گیرند. به همین دلیل گرجستان به استفاده از نفوذ آمریکا در ناتو امیدوار است.

ساکاشویلی با عضویت در ناتو در پی تضمین امنیت گرجستان بود. از نظر سیاست‌مداران گرجی تلاش برای عضویت در ناتو موجب افزایش همکاری‌های راهبردی با آمریکا نیز می‌شود که این مسئله موجب کاهش تهدید روسیه برای گرجستان می‌شود. ساکاشویلی بعد از جنگ سال ۲۰۰۸ با روسیه، به سیاست خود نسبت به روسیه ادامه داد و تلاش بیشتری برای پیوستن به ناتو انجام داد. با وجود این، شکست سیاست ساکاشویلی در ایجاد موازنه در برابر روسیه و انتقادهای به او به‌علت از دست‌دادن بخشی از خاک گرجستان در جنگ با روسیه سیاست نگاه به ناتو و در کل نگاه به غرب همچنان ادامه پیدا کرد. این سیاست از نظر افکار عمومی بهترین راه مقابله با تهدید روسیه بوده است. به‌گونه‌ای که نظرسنجی مؤسسه جمهوری بین‌المللی^۱ نیز این را نشان می‌دهد. این نظرسنجی‌ها نشان‌دهنده تأثیر سیاست‌های نخبگان گرجی بر افکار عمومی این کشور است. تا زمانی که افکار عمومی گرجستان چنین درک و تصویری از روسیه و ناتو دارند، هر دولتی هم که در گرجستان بر سر کار باشد، هر چند طرفدار اصلاح روابط با روسیه باشد، ناچار به ادامه‌دادن سیاست‌های غرب‌گرایانه و ایجاد توازن در برابر این قدرت است.



Source: <http://www.iri.org/resource/iri%E2%80%99s-center-insights-poll-georgians-maintain-pro-western-attitudes-face-russian-threat>, (Accessed on: 28/4/2018)

این اطلاعات بین ۳ تا ۲۸ فوریه ۲۰۱۵ از راه مصاحبه حضوری جمع‌آوری شد. از ۱۵۰۰ نفر افراد بالای ۱۸ سال نظرسنجی شده است. همکاری گرجستان با ناتو دو تأثیر بر امنیت منطقه داشته است: ۱. افزایش سریع بودجه‌های دفاعی گرجستان است. گرجستان به سختی برای تقویت بخش دفاعی کار می‌کند تا با معیارهای ناتو تطبیق پیدا کند و به سطوح قابلیت همکاری با ناتو دست پیدا کند. برای رسیدن به این هدف، بودجه دفاعی‌اش را برای به‌دست آوردن صلاحیت عضویت در ناتو دو برابر کرد. اگرچه روسیه، گرجستان را به ایجاد وضعیت دشوار امنیتی متهم کرد، افزایش سریع بودجه‌های نظامی برای نوسازی ارتش گرجستان مورد استفاده قرار گرفت.

واقعیت این است که مناطق تجزیه‌طلب (آبخازیا و قفقاز جنوبی) که بیشتر به‌وسیله روسیه حمایت می‌شوند از احتمال حمله ارتش نوسازی‌شده گرجستان می‌ترسند. دومین تأثیر امنیتی، در رابطه با ادغام گرجستان در ناتو است. تفلیس در مسیر پیوستن به ناتو بسیار تلاش کرده و با اشتیاق برنامه عملی مشارکت انفرادی را اجرا کرده است و در گفت‌وگوهای فراوان با ناتو برای تصویب برنامه عملی عضویتش کار کرده است. با وجود این روسیه و دو جمهوری تجزیه‌طلب (اوستیای جنوبی و آبخازیا) که جهت‌گیریشان به‌شدت به‌سوی مسکو است، به گرجستان فرصت نمی‌دهند به ناتو بپیوندند. از متغیرهای داخلی و خارجی که

چشم‌انداز عضویت گرجستان در ناتو را در تأثیر قرار می‌دهد یکی پیشرفت تفلیس در روند اجرایی کردن اصلاحات، دموکراسی‌سازی، ایجاد بازار آزاد و ارتش حرفه‌ای و جدید است. دیگری مربوط به مناقشه‌های حل‌نشده آبخازیا و اوستیای جنوبی است. گرجستان مطرح می‌کند که مناطق جدایی‌طلب در داخل مرزهای شناخته‌شده بین‌المللی گرجستان قرار دارند؛ اما هیچ‌کدام از مناطق تجزیه‌طلب به مانند در حاکمیت حکومت مرکزی گرجستان تمایلی ندارند.

این پرسش مطرح می‌شود که اگر گرجستان به ناتو بپیوندد وضعیت این دو منطقه چگونه خواهد بود؟ آبخازیا و اوستیای جنوبی هر دو آشکارا به روسیه متمایل هستند. نیروهای تأمین‌کننده صلح روسی از دارندگان پاسپورت روسی آبخازیا و اوستیای جنوبی حمایت می‌کنند. اگر گرجستان می‌خواهد به عضویت ناتو در بیاید اول باید این دو منازعه را حل کند. به همین دلیل ناتو با ارائه هرگونه جدول زمانی برای پیوستن گرجستان به ناتو مخالفت می‌کند. دبیرکل ناتو، چاپ دی هوپ در اکتبر ۲۰۰۷ بیان کرد که گرجستان برای عضویت در پیمان آتلانتیک شمالی باید به حل منازعات داخلی‌اش اقدام کند. مهم‌ترین متغیر خارجی تأثیرگذار بر عضویت گرجستان در ناتو نیز، سیاست روسیه نسبت به گرجستان است. روسیه مخالف پیوستن گرجستان به ناتو است و به دلیل حضور گرجستان در منطقه حیاط خلوت روسیه و اینکه این کشور زمانی در سیطره اتحاد شوروی بود و سودای به‌دست‌گرفتن قدرت عمل از سوی روسیه در این منطقه، گرجستان این کشور را به‌عنوان تهدید می‌بیند. نمونه بارز آن، روسیه در زمان جنگ داخلی گرجستان در اوت ۲۰۰۸، مناطق تجزیه‌طلب آبخازیا و اوستیای جنوبی را به‌عنوان دولت‌های مستقل به رسمیت شناخت؛ زیرا اگر گرجستان عضویت ناتو را به‌دست آورد تفلیس با استناد به بند ۵ پیمان واشنگتن، ناتو را به‌عنوان متحد خود می‌خواند تا در مواقعی که روسیه تصمیم حمله به مناطق مرزی را دارد، از گرجستان دفاع کند. به همین دلیل همکاری ناتو با گرجستان و در حالت کلی پیوستن گرجستان به ناتو در داخل پیمان آتلانتیک، بسیار به بحث گذاشته شده است.

نتیجه

به‌طور کلی پس از استقلال گرجستان هر سه رئیس‌جمهور این کشور یعنی گامسا خورديا، شواردنازه و ساکاشویلی با تمام تفاوت‌هایی که با یکدیگر داشته‌اند، در بدبینی و نگاه منفی نسبت به روس‌ها اتفاق نظر داشته‌اند و اینکه روسیه برای حفظ حیاط‌خلوت خود و دستیابی به رهبری جهانی از هیچ تهدیدی فروگذار نمی‌کند. در چنین شرایطی، گرجستان بیش از آنکه تمایل به همکاری با همسایه شمالی خود داشته باشد، علاقه‌مند به روابط نزدیک با آمریکا، اروپا، نهادهای اروپایی و ناتو است. با در نظر گرفتن جایگاه روسیه به‌عنوان بازیگر اول منطقه و

تداوم سیاست اوراسیاگرایی این کشور و تلاش برای استیلای سنتی خود در منطقه اوراسیا و همچنین هم‌سویی ضد و نقیض کشورهای غربی و ناتو با گرجستان، می‌توان نتیجه گرفت که اقدام‌های تحریک‌آمیز روسیه برای گرجستان تهدید محسوب می‌شود. سیاست‌هایی که گرجستان برای رفع این تهدید و برقراری توازن با روسیه در شکل پیمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در پیش گرفته، تا حدودی در تأثیر معادلات نظام بین‌الملل و نظام حاکم بر فضای داخلی گرجستان قرار گرفته است که باید بتواند خود را با استانداردهای مورد نظر کشورهای غربی و ناتو همسو کند تا تهدیدهای بالقوه و بالفعل از سوی روسیه را کنترل کند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

1. Abd Alaziz, Alaa A. H. (2003), "Balance of Threat Perception and the Prospects of NATO Mediterranean Dialogue", Final Report for the Institutional Research Fellowship Programme 2001–2003, **University of Helsinki**, Available at: <https://www.nato.int/acad/fellow/01-03/alaziz.pdf>, (Accessed on: 12/5/2018).
2. **BP Statistical Review** (2016), "Russia's Energy Market in 2016", Available at: <https://www.bp.com/content/dam/bp/en/corporate/pdf/energy-economics/statistical-review-2017/bp-statistical-review-of-world-energy-2017-russia-insights.pdf>, (Accessed on: 26/10/2017).
3. Davis, Carmel (2011), **Power, Threat, or Military Capabilities: US Balancing in the Later Cold War, 1970-1982**, University Press of America.
4. Fawn, Rick (2004), **Ideology and National Identity in Post-Communist Foreign Policy**, Great Britain: Frank Cass.
5. Gabashvili, Nodar (2013), **The Geopolitical Curse of the Caucasus**, Available at: <https://books.google.com/books?isbn=8868556812>, (Accessed on: 11/9/2013).
6. Goli, Ali, Hojjat Mahkoui and Ardeshir Peshang (2010), "The European Union and Guam: Interaction or Alienation", **Central Asia and Caucasus Studies**, No. 80, pp. 117-145 [in Persian].
7. Goltz, Thomas (2009), **Georgia Diary: a Chronicle of War and Political Chaos in the Post-Soviet Caucasus**, London and New York: Routledge.
8. Griffiths, Martin (2011), **Encyclopedia of International Politics and World Politics**, Translated by Alireza Tayeb, Tehran: Ney [in Persian].
9. Grygiel, Jakub J. (2006), **Great Powers and Geopolitical Change**, United States America: The Johns Hopkins University Press.
10. **IRI** (2016), "IRI's Center for Insights Poll: Georgians Maintain Pro-Western Attitudes in Face of Russian Threat", Available at: <http://www.iri.org/resource/iri%E2%80%99s-center-insights-poll-georgians-maintain-pro-western-attitudes-face-russian-threat>, (Accessed on: 28/4/2018).
11. Koolae, Elaheh (2010), **Politics and Government in Central Eurasia**, Tehran: Samt [in Persian].
12. Little, Richard and Michael Smith (2010), **Perspectives on World Politics**, Translated by Alireza Tayeb, Tehran: Scientific and Cultural Publisher Company [in Persian].
13. Malakutiyani, Mostafa and Seyed Hamid Hosseini (2012), "Georgia's Strategic Position and its Impact on Relations with Russia", **Politics Quarterly**, Vol. 42, No. 3, pp. 153-164 [in Persian].
14. Merschimmer, John (2009), **The Tragedy of the Great Powers Politics**, Translated by Gholamali Chegenizadeh, Tehran: Ministry of Foreign Affairs [in Persian].
15. **Ministry of Defence of Georgia** (2014), "National Military Strategy", Available at: <https://mod.gov.ge/uploads/2018/pdf/NMS-ENG.pdf>, (Accessed on: 11/6/2018).

16. Nygren, Bertil (2007), **The Rebuilding of Greater Russia: Putin's Foreign Policy towards the CIS Countries**, Routledge.
17. Peimani, Hooman (2009), **Conflict and Security in Central Asia and the Caucasus**, United States America: ABC-CLIO, LLC.
18. Stokes, Gale and Peter Rutland (1997), **The Challenge of Integration, East West Institute**, East West Institute, M. E. Sharpe.
19. Tudoroiu, Theodor (2007), "Rose, Orange, and Tulip: The Failed Post-Soviet Revolutions", **Communist and Post-Communist Studies**, Vol. 40, No. 3, pp. 269-392.
20. Vaezi, Mahmoud (2010), **Politics and Security in the Caucasus**, Tehran: Strategic Research Center of the Expediency Council [in Persian].
21. Walt, Stephen M. (1987), **The Origins of Alliance**, Ithaca and London: Cornell University Press.

